

بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در کارکنان یک شرکت صنعتی در استان ایلام

سید علی مرعشی^۱، طاهره محرابیان^۲، مهسا مسلمان^۳

چکیده

مقدمه: یکی از شاخص‌های بهداشت روانی میزان رضایت از زندگی است. مراد از رضایت از زندگی، نگرش فرد، ارزیابی عمومی نسبت به کلیت زندگی خود و یا برخی از جنبه‌های زندگی همچون زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در کارکنان یک شرکت صنعتی در استان ایلام انجام شد.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش که در سال ۱۳۹۳ اجرا شده است، تعداد ۱۱۵ نفر از کارکنان آن شرکت به صورت در دسترس انتخاب شدند و ۳ پرسشنامه‌ی ویژگی‌های شخصیتی، هوش معنوی و رضایت از زندگی را تکمیل نمودند. طرح پژوهش از نوع همبستگی است که در زمره تحقیقات توصیفی قرار می‌گیرد و داده‌های پژوهش با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که کارکنان با روان‌رنجوری پایین‌تر، رضایت از زندگی بالاتری دارند. همچنین کارکنان با برون‌گرایی بالاتر، توافق‌پذیری بالاتر، وجدان بالاتر و هوش معنوی بالاتر، رضایت از زندگی بیشتری دارند. بالاترین ضریب همبستگی مربوط به برون‌گرایی است ($r=0/64$) که در تحلیل رگرسیون نیز مهم‌ترین متغیر پیش‌بین رضایت از زندگی در این پژوهش می‌باشد. بین تجربه‌گرایی و رضایت از زندگی رابطه‌ی معنی‌داری یافت نشد ($P>0/05$). ضرایب تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر برای ترکیب خطی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار بود.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اصلاح و تعدیل صفات شخصیتی افراد و نیز افزایش هوش معنوی آن‌ها می‌تواند باعث افزایش رضایت از زندگی آن‌ها شود.

کلمات کلیدی: رضایت از زندگی، کارکنان شرکت نفت، ویژگی‌های شخصیتی، هوش معنوی.

مجله علوم مراقبتی نظامی ■ سال سوم ■ شماره ۱ ■ بهار ۱۳۹۵ ■ شماره مسلسل ۷ ■ صفحات ۴۸-۵۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۳
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۳/۲۶

مقدمه

ویژگی‌های شخصیتی را (به لحاظ ثبات این ویژگی‌ها و اهمیت شناخته شده‌ی آن‌ها) و از سوی دیگر ارتباط هوش معنوی را (به لحاظ جدید بودن این سازه و هم‌پوشی نظری آن با پایبندی‌های دینی) با رضایت از زندگی بررسی نماید.

از دیدگاه روانشناسی، رضایت از زندگی، یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت روانی می‌باشد که متغیرهای زیادی می‌توانند با آن ارتباط داشته باشند. این پژوهش درصدد است از یک سو ارتباط

۱- دکترای روانشناسی بالینی، استادیار، ایران، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روانشناسی بالینی.
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، ایران، سنجند، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روانشناسی بالینی (*نویسنده مسئول).
آدرس الکترونیک: t.mehrabian@yahoo.com
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، ایران، سنجند، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روانشناسی شناختی.

رضایت حالتی، هیجانی است که با رسیدن به یک هدف پدید می‌آید (۱). رضایت از زندگی عبارت از ارزیابی شناختی - عاطفی از زندگی خود است. این ارزیابی‌ها از واکنش‌های احساسی نسبت به وقایع به علاوه قضاوت‌های شناختی از رضایت و برآورده شدن خواسته‌ها تشکیل شده‌اند (۲). رضایت از زندگی به عنوان نشانه‌ای بارز از سازگاری، در ابعاد مختلف زندگی افراد است (۳).

نظری اجمالی به تعاریف مختلف شخصیت نشان می‌دهد که تمام معنی شخصیت را نمی‌توان در یک نظریه‌ی خاص یافت، بلکه در حقیقت تعریف شخصیت بستگی به نوع تئوری هر دانشمند دارد، به طور مثال کارل راجرز (Carl Rogers) شخصیت را یک خویشتن سازمان یافته دائمی می‌داند که محور تمام تجربه‌های وجودی ماست. آلپورت (Allport) شخصیت را عبارت از مجموعه‌ی عوامل درونی که تمام فعالیت‌های فردی را جهت می‌دهد می‌داند. همین‌طور جورج کلی (George Kelly) یکی از روانشناسان شناختی معاصر، شخصیت را روش خاص هر فرد در جستجو برای پیدا کردن و تفسیر معنای زندگی می‌انگارد (۴).

یکی از رویکردهایی که امروزه در روانشناسی شخصیت مورد توجه است، الگوی پنج عاملی شخصیت کاستا و مک کری (Costa & McCreey) است که در اواخر دهه ۸۰ میلادی در ایالات متحده مطرح شد. طبق این الگو که به ۵ بعد بزرگ هم معروف است، شخصیت انسان از ۵ بعد اصلی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن تشکیل شده است (۵). باتوین (Batvin) و همکاران در پژوهشی نشان دادند که بین عوامل شخصیت و رضایت‌مندی زناشویی مردان رابطه‌ی معناداری وجود دارد، به این ترتیب که روان‌آزردگی، خود را به جای دیگران قراردادن، گشودگی و توافق با رضایت‌مندی زناشویی در مردان مرتبط بوده است. نخستین عامل همبستگی منفی و سه عامل بعد، همبستگی مثبت داشته است (۶).

هوش معنوی پایه و اساس ضروری برای عملکرد مؤثر هوش منطقی و هوش هیجانی می‌باشد. کینگ (King) هوش معنوی را مجموعه ظرفیت‌های سازگاری در ذهن بر مبنای جنبه‌های غیر جسمانی و متعالی واقعیت، می‌داند (۷). زوهر و مارشال (Zohar and Marshall) نیز هوش معنوی را استعداد ذاتی می‌دانند که انسان در حل مسائل معنوی و ارزشی خود به کار می‌گیرد و

زندگی را در حالتی گسترده از غنا و معنا قرار می‌دهد. از دیدگاه نظری، افراد با هوش معنوی بالا، زندگی را با معنا و هدف‌مند تلقی می‌کنند و از آنجا که اتفاقات را در پرتو معنای کلی زندگی تفسیر کرده، هنگام مواجهه با ناسازگاری‌های زندگی کمتر دچار یأس شده و راحت‌تر با آن‌ها کنار می‌آیند (۸).

درک مبانی عصب - روان‌شناختی هوش معنوی در پذیرش آن به عنوان نوع مستقلی از هوش مؤثر است. به اعتقاد سلمن (Selman) و همکاران، مغز انسان برای هر یک از هوش‌های سه‌گانه (هوش منطقی، هوش هیجانی و هوش معنوی) نورون‌ها یا تشکیلات نورونی جداگانه‌ای دارد. از این دیدگاه هوش معنوی یک فرآیند است که سایر فعالیت‌های مغز را در هر دو نیمکره‌ی راست و چپ یکپارچه می‌کند و انسان را قادر می‌سازد که درباره‌ی معنای هر موقعیت پرسش نماید. آن‌ها به پژوهش‌های نوروفیزیولوژیک که ابتدا توسط نوروسایکولوژیستی به نام پرسینگر (Persinger) از دانشگاه لورنسیای آنتالیا و بعداً توسط نورولوژیستی به نام راماجاندران (Ramachandran) از دانشگاه کالیفرنیا در سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ انجام شد و منجر به ایجاد حوزه‌ی علمی جدیدی به نام «نورو تئولوژی» شد، اشاره می‌کنند که رابطه‌ی پیچیده‌ی معنویت و مغز انسان را تبیین می‌کند، آن‌ها موفق به یافتن ناحیه‌ای به نام «منطقه‌ی خدا» یا «محدوده‌ی خدا» در لوب گیجگاهی مغز انسان شدند که مسئول جهت‌یابی، حضور و تجارب خدایی است. اسکن‌هایی که با اشعه‌ی پوزیترون از مغز گرفته شد نشان داد که هرگاه موضوعات معنوی و دینی مورد بحث قرار می‌گیرند، این نواحی نورونی روشن‌تر می‌شوند (۷).

در زمینه رابطه هوش معنوی و رضایت از زندگی، پژوهش‌های زیادی بر ارتباط مثبت و معنادار بین این دو مؤلفه تأکید دارند. اکبری و همکاران رابطه مثبت و معناداری را بین هوش معنوی و کیفیت زندگی در زنان معتاد در حال ترک رشت یافتند (۹). رابرت (Robbert) و همکاران در پژوهش خود یافتند که بین سلامت معنوی و رضایت شغلی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (۱۰). بابانظری و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که بین هوش معنوی و شادکامی رابطه مثبت معناداری وجود دارد (۱۱). همچنین ترابی و همکاران در پژوهش خود که روی پرستاران بیمارستان شهید فقیهی انجام دادند، نشان دادند که بین هوش

را مورد سنجش قرار می‌دهد که عبارتند از: روان‌رنجوری (Neuroticism)، برون‌گرایی (Extraversion)، تجربه‌گرایی (Openness)، توافق‌پذیری (Agreeableness) و وجدانی‌بودن (Conscientiousness). روایی این پرسشنامه در ایران به روش همبستگی مقیاس‌های آن با پرسشنامه‌ی تجدیدنظر شده‌ی آیزنک - فرم کوتاه در عامل روان‌رنجوری ۰/۷۲ و در عامل برون‌گرایی ۰/۷۰ و همبستگی مقیاس‌های توافق‌پذیری و با وجدانی‌بودن با مقیاس روان‌پریش خوبی، ۰/۳۲ و همبستگی انعطاف‌پذیری با عامل برون‌گرایی، ۰/۲۲ گزارش شده است (۲۰). ضریب پایایی با روش آلفا برای عوامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و باوجدان بودن به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ ($p < ۰/۰۵$) بوده است (۱۵).

۲) مقیاس هوش معنوی (spiritual intelligence self-Report inventory-۲۴)

در این پژوهش برای سنجش هوش معنوی از مقیاس هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. این مقیاس حاوی ۲۴ ماده و ۴ خرده مقیاس است که شامل تفکر وجودی با ۷ ماده، تولید معنای شخصی با ۵ ماده، آگاهی متعالی با ۷ ماده و گسترش وضعیت هوشیاری با ۵ ماده می‌باشد. اعتبار و پایایی هوش معنوی در ایران توسط رقیب و همکاران سنجیده شد. برای روایی از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه‌ی اول استفاده شد که در سطح ($p < ۰/۰۱$) ضریب همبستگی ۰/۶۶ به دست آمده است و پایایی هم از طریق آلفای کرونباخ در سطح ($p < ۰/۰۵$) ۰/۸۸ برآورد شده است (۷).

۳) پرسشنامه رضایت از زندگی (Satisfaction with life scale):

پرسشنامه رضایت از زندگی توسط داینر (Dinner) و همکاران (۲۰۰۶) تدوین شد. این مقیاس در ابتدا شامل ۴۸ سؤال بود که بعد از تحلیل عاملی به ۱۰ سؤال کاهش یافت. به خاطر شباهت معنایی بین ۱۰ سؤال نسخه‌ی نهایی این مقیاس، به ۵ سؤال کاهش یافت (۱۶). برای اولین بار سامانی و همکاران این آزمون را برای استفاده در ایران آماده کردند و ضریب آلفای کرونباخ این آزمون را برابر ۰/۸۵ و پایایی با روش بازآزمایی این آزمون را برابر ۰/۸۴ به دست آوردند (۱۷). در این پژوهش از نسخه‌ی ۵ سؤالی این مقیاس استفاده شده است. شیخی و همکاران

معنوی و توانمندسازی روانشناختی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد (۱۲). بل (Bell) و همکاران در تحقیقاتشان به تأثیر معنویت بر رضایت از زندگی و کلن (Chlan) و همکاران بر تأثیر معنویت در مقابله با بیماری تأکید دارند (۱۳، ۱۴).

با توجه به این مسئله که مؤلفه‌ی رضایت از زندگی، یکی از مفاهیم مهم و مؤثر بر سایر جنبه‌های زندگی افراد است و اینکه ممکن است کارکنان شرکت نفت، به خاطر شرایط و موقعیت دشوار کاری آن‌ها، آسیب‌پذیر شوند و بازدهی کاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، پژوهش حاضر در پی این مسئله است که مشخص کند آیا بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با رضایت از زندگی در کارکنان یک شرکت صنعتی در استان ایلام رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

مواد و روش‌ها

طرح کلی این پژوهش از نوع همبستگی است که در زمرة تحقیقات توصیفی به شمار می‌رود. جامعه‌ی پژوهش مورد نظر کلیه‌ی کارکنان مرد (رسمی، پیمانی و قراردادی، شب کار و روز کار) واحدهای مختلف در یک شرکت صنعتی در سال ۱۳۹۳ استان ایلام هستند که تقریباً ۱۵۰ نفر می‌باشند. با توجه به طرح پژوهش که از نوع همبستگی است و با توجه به جدول مورگان، در این پژوهش ۱۱۵ نفر از کارکنان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، با توجه به شرایط شغلی و محیط کاری شرکت‌کنندگان، افرادی در پژوهش شرکت کردند که قادر و مایل به شرکت در پژوهش و پر کردن پرسشنامه‌ها بودند. شرایط ورود به پژوهش عبارت بود از: کارکنان شرکت نفت باشند، وابسته به مواد مخدر نباشند، دارای علائم مانیا یا سایکوز نباشند. محدوده‌ی سنی نمونه‌ی پژوهش بین ۲۱ تا ۵۵ سال است و دامنه‌ی تحصیلی آن‌ها از ابتدایی تا دکتری متغیر است. به هرکدام از آن‌ها پرسشنامه‌های ویژگی‌های شخصیتی، هوش معنوی و رضایت از زندگی داده شد.

۱) پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO_Five Factor Inventory):

در پژوهش حاضر برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی افراد از فرم کوتاه آزمون نئو که دارای ۶۰ سؤال است استفاده شده است. این آزمون را اولین بار مک‌کری و کاستا تدوین نمودند. این آزمون پنج مورد از ویژگی‌های شخصیتی افراد

رابطه بین برون‌گرایی و رضایت از زندگی ($r=0/64$ و $p<0/01$)، بین تجربه‌گرایی و رضایت از زندگی ($r=0/16$ و $p=0/08$)، بین توافق‌پذیری و رضایت از زندگی ($r=0/22$ و $p=0/01$)، بین وجدانی بودن و رضایت از زندگی ($r=0/50$ و $p<0/01$) همچنین بین هوش معنوی و رضایت از زندگی ($r=0/46$ و $p<0/01$) به دست آمد. در جدول ۲ روابط چندگانه‌ی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدانی بودن و هوش معنوی با رضایت از زندگی از طریق تحلیل رگرسیون چندمتغیری ارائه شده است. چنان که در جدول ملاحظه می‌شود ضریب تعیین با روش ورود مکرر برای ترکیب خطی متغیرهای روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدانی بودن و هوش معنوی با رضایت از زندگی برابر با ۰/۴۸ می‌باشد، در واقع متغیرهای پیش‌بین در پژوهش حاضر توانستند ۴۸٪ واریانس رضایت از زندگی را تبیین کنند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که از میان متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی به عنوان متغیرهای پیش‌بین رضایت از زندگی به ترتیب متغیرهای برون‌گرایی، روان‌رنجوری

در پژوهشی با هدف بررسی مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی، نشان دادند که همسانی درونی این مقیاس برابر با ۰/۸۵ و پایایی بازآزمایی آن برابر با ۰/۷۷ است (۱۸). رضایت شرکت‌کنندگان در مطالعه به طور شفاهی جلب شد و با توجه به نوع مطالعه نیازی به گرفتن تأییدیه رسمی کمیته اخلاق دانشگاه نبود. از جمله موارد رعایت شده عبارت از عدم نیاز به ذکر نام و نام خانوادگی در پرسشنامه‌ها، مطلع کردن شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش، اختیاری بودن شرکت در مطالعه بودند. سپس نمرات آن‌ها در این آزمون‌ها محاسبه و با روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری تجزیه و تحلیل شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

یافته‌ها

مطابق با جدول ۱، ضریب همبستگی بین روان‌رنجوری و رضایت از زندگی منفی و معنی‌دار می‌باشد ($r=-0/60$ و $p<0/01$).

جدول ۱- ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
		r	P
رضایت از زندگی	روان‌رنجوری	-۰/۶۰	$p<0/01$
	برون‌گرایی	۰/۶۴	$p<0/01$
	تجربه‌گرایی	۰/۱۶	$p>0/01$
	توافق‌پذیری	۰/۲۲	$p<0/05$
	وجدانی بودن	۰/۵۰	$p<0/01$
	هوش معنوی	۰/۴۶	$p<0/01$

جدول ۲- خلاصه نتیجه رگرسیون هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت از زندگی با روش Enter

متغیر پیش‌بین	R ²	F	SE	B	B
هوش معنوی	۰/۲۱	۳۰/۶۹	۰/۰۲	۰/۱۴	*۰/۴۶
روان‌رنجوری	۰/۴۱	۳۹/۰۵	۰/۰۴	-۰/۲۷	**۰/۴۹
برون‌گرایی	۰/۴۷	۳۳/۲۶	۰/۰۷	۰/۲۵	**۰/۳۷
تجربه‌گرایی	۰/۴۷	۲۴/۸۳	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۳
توافق‌پذیری	۰/۴۸	۲۰/۵۹	۰/۰۵	-۰/۰۷	-۰/۱۲
وجدانی بودن	۰/۴۸	۱۷/۰۴	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۴

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ **معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

و هوش معنوی بیشترین اهمیت را در تبیین واریانس رضایت از زندگی داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، طبق نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی معناداری دارد. به عبارت دیگر کسانی که روان‌رنجوری پایین‌تری داشته باشند، رضایت از زندگی آن‌ها بیشتر است. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله شغابی، عسگری و همکاران، محرابیان و ارندان که نشان دادند بین روان‌رنجوری و رضایت از زندگی رابطه منفی معناداری وجود دارد، هماهنگی دارد (۱، ۱۹، ۲۰). در راستای تبیین این یافته می‌توان گفت که روان‌رنجوری (بی‌ثباتی هیجانی) یک ویژگی شخصیتی است که ارتباط تنگاتنگی با رضایت از زندگی دارد و با عدم ثبات عاطفی و عواطف منفی چون ترس، غم، برانگیختگی، عصبانیت، خشم، احساس گناه و نفرت همراه است. افرادی که در این بعد شخصیتی نمرات بالاتری می‌آورند، احتمال دارد در هنگام رویارویی با فشارهای روانی، سازوکارهای مقابله‌ای ناکارآمدی مانند واکنش‌های پرخاشگرانه و خودسرزنی را به کار گیرند (۱).

طبق نتایج جدول ۲ بین عامل برون‌گرایی و رضایت از زندگی رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که برون‌گراتر باشند، رضایت از زندگی بالاتری دارند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های شغابی، عسگری و همکاران، محرابیان و ارندان هماهنگی دارد (۱، ۱۹، ۲۰). در تبیین رابطه معنادار بین برون‌گرایی و رضایت از زندگی می‌توان گفت افراد برون‌گرا، مردم‌گرا بوده، فعال و پرحرف به نظر می‌رسند و مایلند که بشاش و سرحال باشند. همچنین دارای خوش‌بینی، سرخوشی و انرژی زیاد می‌باشند و در فعالیت‌های اجتماعی، اهل همکاری و خوش و بش هستند. همچنین این افراد ممکن است بتوانند حمایت‌های اجتماعی بیشتری را به خود جلب نمایند. ویژگی‌های این افراد با رضایت از زندگی رابطه دارد، به طوری که هم تعاملات اجتماعی و هم پرنرژی و بشاش بودن آن‌ها می‌تواند رضایت از زندگی آن‌ها را بالا ببرد (۲۰).

بین عامل تجربه‌گرایی و رضایت از زندگی رابطه معناداری

یافت نشد. این یافته با یافته‌های پژوهش عسگری و همکاران (۱۹) هم‌خوان است، اما با نتایج پژوهش محرابیان و ارندان (۲۰) همسو نمی‌باشد، شاید بتوان تفاوت در نتایج پژوهش‌ها را از طریق تفاوت در جامعه‌های پژوهشی مورد نظر توجیه کرد که پژوهش حاضر در بین دانشجویان انجام گرفته است، اما پژوهش عسگری و همکاران در بین جامعه معلمان اجرا شده است و انتظار می‌رود که با افزایش سن، میزان تجربه‌گرایی افراد کاهش یابد. به نظر می‌رسد افرادی که می‌خواهند همه چیز را خودشان تجربه کنند خود را در مهلکه‌های زیادی می‌اندازند و چیزهای زیادی را در زندگی از دست می‌دهند.

بین عامل توافق‌پذیری و رضایت از زندگی رابطه مثبت وجود دارد، یعنی هرچه افراد توافق‌پذیری بیشتری داشته باشند، رضایت از زندگی بالاتری دارند. این یافته با یافته‌های پژوهش شغابی، عسگری و همکاران، محرابیان و ارندان که نشان دادند بین توافق‌پذیری و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد، هماهنگی دارند (۱، ۱۹، ۲۰). در راستای تبیین این یافته می‌توان گفت این افراد دارای ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد، رک‌گویی، نوع‌دوستی، همراهی، تواضع و دلسوز بودن هستند. همچنین این افراد دارای ویژگی‌های کمک‌کردن و حس‌همدردی هستند و دیگران را نیز همچون خود می‌بینند و پیوندشان با دیگران، زود جوش می‌خورد. این ویژگی‌ها شاید به دلیل سازگارتر کردن این افراد رضایت از زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۰).

همین‌طور طبق نتایج به‌دست آمده، بین عامل وجدانی‌بودن و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه وظیفه‌شناسی افراد بالاتر باشد رضایت از زندگی آن‌ها نیز بالاتر است. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله شغابی، عسگری و همکاران، محرابیان و ارندان هماهنگی دارد (۱، ۱۹، ۲۰). در راستای تبیین وجود رابطه معنادار بین وجدانی‌بودن و رضایت از زندگی می‌توان گفت این افراد دارای ویژگی‌هایی از قبیل کفایت، نظم و ترتیب، وجدانی‌بودن، تلاش برای موفقیت، خویشتن‌داری و محتاط بودن در تصمیم‌گیری هستند. آن‌ها هنگام مواجهه با مشکلات عقب‌نشینی نمی‌کنند و سعی می‌کنند تنش‌های خود را در جهت رسیدن به موفقیت کاهش دهند که به مراتب افرادی که واجد ویژگی‌های مذکور

باشند، رضایت از زندگی بالاتری دارند (۲۰).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی و رضایت از زندگی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت افراد با هوش معنوی بالاتر، از رضایت زندگی بیشتری برخوردار هستند. صاحب زمانی و همکاران در پژوهشی درباره پرستاران نشان دادند که بین هوش معنوی و هدف‌داری زندگی و رضایت و سلامت روانی آنان رابطه معناداری وجود دارد (۲۱). کاورر و سیک (Kaur & Singh) در پژوهشی بر روی معلمان در حال آموزش نشان دادند که بین هوش معنوی و رضایت از زندگی ارتباطی مثبت و قوی وجود دارد (۲۲). در پژوهشی که توسط نادری و همکاران درباره‌ی ارتباط بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی در سالمندان انجام شد، نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و رضایت از زندگی، همچنین بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (۲۳). مرعشی در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان دانشکده‌ی نفت اهواز نشان داد که بین تمام مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر نتایج نشان داد آموزش هوش معنوی باعث بهبود در همه‌ی مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، افزایش هوش معنوی و کاهش اضطراب وجودی، در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه شده است. همچنین آموزش هوش معنوی می‌تواند به بهبود وضعیت روان‌شناختی افراد، کنار آمدن با تهدیدهایی مانند مرگ و به طور کلی سعادت، سلامت و موفقیت آن‌ها کمک کند (۸). این یافته با نتایج پژوهش‌های ذکر شده همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت در حالی که معنویت، جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی، هوشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعاتی است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولید عناصر ارزشمندی شود (۲۴). همچنین می‌توان گفت افراد با هوش معنوی بالا، از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می‌کنند و از منابع معنوی برای حل مسائل استفاده می‌کنند و خصوصیات همچون تواضع، بخشش، حق‌شناسی، ترحم یا گذشت را در آنان

می‌توان دید. با دارا بودن این ویژگی‌ها و دید مثبت نسبت به دنیا این افراد از زندگی خود رضایت دارند و برای بهبود آن می‌کوشند (۲۳). بدیهی است این گونه جنبه‌های مفید هوش معنوی را به وفور می‌توان در آموزه‌های اسلامی مشاهده کرد، لذا، پایبندی‌های عمیق اسلامی می‌توانند در جهت رضایت از زندگی سودمند باشند. همچنین، نتایج مربوط به جدول ۲ نشان داد که متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی، ۴۸ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. این موضوع بیان‌گر اهمیت این متغیرها می‌باشد که حدود نیمی از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله‌ای که در جدول ۲ ارائه شده است نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین، برون‌گرایی، روان‌رنجوری و هوش معنوی بیشترین اهمیت را در تبیین واریانس رضایت از زندگی دارند. با آن‌که توافق‌پذیری و وجدانی بودن به طور جداگانه، همبستگی ساده و مثبت با رضایت از زندگی نشان دادند، اما در تحلیل رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام، این دو متغیر با توجه به جدول ۲ ارتباط معکوسی با رضایت از زندگی نشان دادند و این مبین آن است که توافق‌پذیری و وجدانی بودن در کنار سایر متغیرها ممکن است ماهیت دیگری از خود نشان دهند؛ به عبارت دیگر توافق‌پذیری شاید در بدو امر به عنوان یک عامل سازگاری شناخته شود اما در کنار سایر متغیرها ممکن است به معنای ضعف در استقلال جلوه نماید. همچنین وجدانی بودن ممکن است به معنای عدم رضایت از بی‌انصافی‌های ادراک شده موجود در پیرامون فرد جلوه نماید. مهم‌ترین متغیر پیش‌بین در این تحقیق، برون‌گرایی می‌باشد، در واقع برون‌گرایی می‌تواند بهداشت روانی و رضایت از زندگی کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد. امروزه با توجه به اینکه رضایت از زندگی بر سلامت و بهداشت روان افراد تأثیر بالایی دارد، پس بررسی متغیرهای مرتبط با این سازه ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و همچنین نتایج پژوهش‌های مشابه قبلی که مبتنی بر وجود ارتباط قوی بین هوش معنوی و اعتقادات دینی با رضایت از زندگی بوده‌اند، شاید بتوان گفت با افزایش هوش معنوی افراد، می‌توان رضایت از زندگی آن‌ها را نیز افزایش داد، به طوری که پژوهش‌های مختلف هم در ایران و هم در خارج از کشور از جمله کاورر و سیک (۲۲)، صاحب زمانی (۲۱)، بل (Bell) و همکاران (۱۳)، کلن و زیراکی

علاوه بر این در کارهای مشاوره و درمانی نیز می‌توان جهت افزایش رضایت از زندگی و کیفیت زندگی، این متغیرهای پیش‌بینی‌کننده را نیز مد نظر قرار داد.

(Chlan & Zebracki) (۱۴) همچنین اکبری و همکاران (۹) بر نقش هوش معنوی و نگرش‌های مذهبی بر سلامت و بهداشت روان، بهزیستی روانشناختی و مقابله با بیماری تأکید می‌کنند.

References

- Shaghabi M. [The relationship between personality traits, emotional intelligence and self-directed learning with life satisfaction and academic performance in female students in the third year of high school in Bushehr]: Shahid Chamran University; 2011.
- Moradzadeh S, Siadat A, Abedi A, Mousavi S. [The multiple relationship citizenship behavior with life satisfaction of personnel in Esfahan University]. *J Applied Sociology*. 2014;24(3):103-18.
- Nesami M, Sohrabi M, Ebrahimi MJ, Heidarifard J, Yanj J, Golchinmehr S. [The relationship between life satisfaction and social support and self-efficacy in elderly city of Sari]. *J Mazandaran Uni Med Sci*. 2014;23(101):38-47.
- Shamloo S. [Schools and theories in personality psychology]. Tehran: Roshd Publications; 2004.
- Kazemi Z. [The relationship between attachment styles and personality traits with emotional intelligence In the undergraduate female students of Shahid Chamran University]: Shahid Chamran University; 2012.
- MalekMohammadi F, Yavari Nik S. [The relationship between personality traits and emotional intelligence with resilience and the relationship of this variable with interpersonal relationships, self-efficacy and life satisfaction among students of Shahid Chamran University]: Shahid Chamran University; 2012.
- Raghib MS, Ahmadi J, Siadat A. [Analysis of amount of spiritual intelligence among students at university of Isfahan and its relation to demographic traits]. *Stud Edu Psychol*. 2009;8(2):39-56.
- Marashi A. [The effect of spiritual intelligence training on psychological well-being, anxiety and spiritual intelligence in students]: Shahid Chamran University; 2011.
- Akbari B, Kshavarz Safei L, Dehgan Banadaki E. [The relationship between of spiritual intelligence and happiness with the life quality of addict women's who deserting in Rasht]. *Int Res J Appl Basic Sci*. 2013;4(8):2272-6.
- Robert TE, Young JS, Kelly VA. Relationships between adult workers' spiritual well-being and job satisfaction: a preliminary study. *Counsel Value*. 2006;50(3):165-75.
- Babanazari L, Askari P, Honarmand MM. [Spiritual intelligence and happiness for adolescents in high school]. *Life Sci J*. 2012;9(3):2296-9.
- Torabi M, Moghimi SM, Monavarian A. Investigating the relation between spiritual intelligence and psychological empowerment among nurses of faghihi hospital in 2012. *Int J Econom Manage Soc Sci*. 2013;2(8):539-43.
- Bell A, Rajenan D, Theiler S. Spirituality at work: an employee stress intervention for academics? *Int J Busin Soc Sci*. 2012;3(11):83-9.
- Chlan KM, Zebracki K, Vogel LC. Spirituality and life satisfaction in adults with pediatric-onset spinal cord injury. *Spinal Cord*. 2011;49(3):371-5. DOI: 10.1038/sc.2010.80 PMID: 20603633
- Saber F, Mousavi V, Salehi I. [Compare personality traits and problem-solving styles in addicted and non-addicted men]. *Quarter J Substance Abuse Addict Stud*. 2012;5(19):39-54.
- Khalatbary J, Bahari S. [Relationship between resilience and satisfaction of life]. *Quarter J Educat Psychol*. 2011;1(2):83-93.
- Bangani K. [The relationship between personality traits and attributes of love with marital satisfaction in Ahvaz organizations married staff with years of marriage control]: Shahid Chamran University; 2008.
- Sheikhi M. Psychometric properties of the satisfaction with life scale (SWLS). *J Modern Indust Psychol*. 2010;1(2):17-25.
- Asgari P. [The relationship between documents style and personality characteristics with satisfaction with marital life in female nurses of Ilam]. *Women Culture*. 2011;3(1):17-33.
- Mehrabian T, Arendan O. [The relationship between personality traits and emotional intelligence with life satisfaction among female and male students living in dorms of Shahid Chamran University]: Shahid Chamran University; 2013.
- Sahebalzamani M, Farahani H, Abasi R, Talebi M. The relationship between spiritual intelligence with psychological well-being and purpose in life of nurses. *Iran J Nurs Midwifery Res*. 2013;18(1):38-41. PMID: 23983726
- Kaur G, Singh A. Relationship among emotional intelligence, social Intelligence, spiritual Intelligence and life satisfaction of the cher trainees. *Int J Teach Edu Res*. 2013;2(7):23-9.
- Naderi F, Asgari P, Roshani K, Mehri Adriani M. The relationship between intellectual intelligence and emotional intelligence with life satisfaction of the elderly, new findings in psychology. *New Finding Psychol*. 2010;3(5):127-38.
- Rajaei AR. [Spiritual intelligence, approaches and challenges]. *Edu J Islamic Azad Uni Bojnourd*. 2009;5(22):21-49.

The Relationship of Personality Traits and Spiritual Intelligence with Life Satisfaction in an Industrial Company in Ilam, Iran

Marashi. SA¹, *Mehrabian. T², Mosalman. M³

Abstract

Introduction: One of the indicators of mental health is satisfaction of life. The meaning of life is satisfaction, attitudes, public assessment of the totality of life or some aspects of life such as family and educational experience.

Objective: The Aim of this study was to investigate the relationship of personality traits and spiritual intelligence with life satisfaction among the personnel of an industrial company in Ilam province, Iran.

Materials and Methods: In this study which was implemented in 2014, 115 personnel of a company were selected using convenience sampling and completed three questionnaires of personality traits, spiritual intelligence and life satisfaction. The research design was correlational, which is a descriptive design, and data were analyzed with Pearson's correlation coefficient and multiple regression analyzes.

Results: The results showed that people with lower neuroticism had higher life satisfaction. In addition, the ones with higher extraversion, agreeableness, conscientiousness and spiritual intelligence had greater life satisfaction. The highest correlation was related to extraversion ($r = 0.64$), which was also the most important predictor variable in this study. There was no significant relationship between openness to experience and life satisfaction ($P > 0.05$). Coefficients of linear regression analysis repeatedly to combine personality and spiritual intelligence with life satisfaction variables were significant in less than 0.001.

Discussion and Conclusion: Modification and adjustment of personality traits as well as increase of spiritual intelligence can lead to increased life satisfaction.

Keywords: Personality Traits, Spiritual Intelligence, Life Satisfaction.

Marashi SA, Mehrabian T, Mosalman M. The Relationship of Personality Traits and Spiritual Intelligence with Life Satisfaction in an Industrial Company in Ilam, Iran. *Military Caring Sciences*. 2016;3(1):48-55.

Submission: 12/1/2015 Accepted data: 2/2/2016 Published: 15/6/2016

1- PhD in Clinical Psychology, Assistant professor, Iran, Ahvaz, Shahid Chamran University, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Clinical Psychology Department.

2- (*Corresponding author) MSc Student in Clinical Psychology, Iran, Kurdistan, Kurdistan University, Faculty of Humanities and Social Sciences, Clinical Psychology Department. Email: t.mehrabian@yahoo.com

3- MSc Student in Clinical Psychology, Iran, Kurdistan, Kurdistan University, Faculty of Humanities and Social Sciences, Cognitive Psychology Department.